یادداشت

به مناسبت دومین سالگرد درگذشت مرحومه اعظم طالقانی

مؤثرترین مدافع حقوق زنان

علی شاملو . روزنامه‌نگار

● اعظم علایی‌طالقانی یکی از شیرزنان روزگار ما بود. بیش از همه فرزندان آیت‌الله طالقانی صفات پدرش را داشت، اهل قرآن، شورا، مبارزه و مروج اسلام رحمانی بود. بنیان‌گذار و دبیرکل جامعه زنان انقلاب اسلامی و صاحب امتیاز و مدیرمسئول ماهنامه پیام هاجر و مدیرمسئول دوماهنامه پیام ابراهیم بود. در اولین دوره مجلس شورای اسلامی، اعظم طالقانی یکی از نمایندگان فراکسیون اقلیت مجلس بود و در کنار بزرگانی همچون مهدی بازرگان، یدالله سحابی، عزت سحابی، کاظم سامی، ابراهیم یزدی، علی‌اکبر معین‌فر، احمد صدرحاج‌سیدجوادی، اکبر هاشمی‌رفسنجانی، گلزاده غفوری و... اصلاح‌طلبان امروز در مذمت او و دوستان فراکسیون اقلیت که جمعی ۱۵، ۲۰ نفره در مقابل فراکسیون اکثریت که اعضای فراکسیون حزب جمهوری و اکثریت اصلاح‌طلبان امروز بودند، عنوان «لیبرال» را به کار می‌برند! بدا به حال جامعه‌ای که انتقاد در چارچوب قانون اساسی و آزادی‌خواهی در چارچوب آن دشنام محسوب شود و به خاطر همین آزادی‌خواهی و انتقاد مسالمت‌آمیز در تمامی ادوار بعدی انتخابات مجلس از سوی شورای نگهبان ردصلاحیت شد. اعظم طالقانی میراث عظیم پیشینیانش را چنان که توانست پاس داشت و کوشش کرد بر دامنه آن وسعتی بخشد تا در رکود و انجماد درجا نزد. خویش را مسئول می‌دانست و هیچ‌گاه اجازه نداد فرسودگی تن، روح تلاشگر را در بند کشد. اسیر امواج مدپرستانه روزگار نشد؛ آن‌چنان که هرگز به عوام‌زدگی تن درنداد. در حجاب و عفاف تا پایان عمر همیشه یک آیت‌الله‌زاده موقر بود و مانند برخی جوزده و اسیر جو زمانه نشد. به یاد دارم نقد بسیار جدی بر کتاب حجاب شرعی در عصر پیامبر تألیف امیر ترکاشوند داشت. در اندیشه و عمل، همچون پدر، آزادی‌خواه و پرشهامت و مدافع حقوق پایمال‌شده مظلوم از هر خط و مسلکی بود. مذهب او، مذهب حذف و طرد نبود. اعظم طالقانی در دوران زندگی پرتکاپوی خویش، همچون پدر، نستوه زیست و رستگار شد. مانند پیشگامان خویش، جهانی را که آرزو و آمالش را داشت به چشم ندید، اما در مسیر و طریقی که به آن ایمان داشت، استوار، با ایمان و عزمی راسخ طی کرد و مصداقی شد از آیه آخر سوره آل‌عمران که می‌گوید «یا ایها الذین آمنو اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوالله لعلکم تفلحون». اعظم طالقانی یکی از مؤثرترین مدافعان حقوق زنان در ایران معاصر محسوب می‌شود. از موضعی اسلامی پیگیر استیفای حقوق زنان و عدالت مساواتی بود. نخستین نامزد زن ریاست‌جمهوری در ایران بود که نه یک بار بلکه چندین بار رسما در انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کرد تا اثبات کند که مراد از «رجال مذهبی و سیاسی» در اصل صدوپانزدهم قانون اساسی مردان نیست و زنان هم مانند مردان صلاحیت تصدی این سمت را دارند. اعظم طالقانی یکی از میراث‌داران حقیقتی بود که با انقلاب بود؛ حقیقتی که از قطار انقلاب پیاده شده بود، اما هرگز به انقلاب و آرمان‌های آن و نظام پشت نکرد و با انقلاب و نظام قهر نکرد و با صلابت در تمامی انتخابات ادوار جمهوری اسلامی، چه به‌عنوان نامزد و چه به‌عنوان رأی‌دهنده شرکت کرد. در آخرین صحبت‌هایی که با ایشان داشتم، اعتقاد داشت که ما به امام، شهدا و کسانی که برای این انقلاب زحمت کشیده و زجر دیده‌اند، مدیونیم؛ بر این اساس همیشه با همه جناح‌های سیاسی کشور ارتباط داشت و برای خود خط‌کشی جز منافع ملی نداشت. در آستانه هشتم آبان و دومین سالگرد درگذشت آن زنده‌یاد به روح پرفتوحش درود می‌فرستیم و امیدواریم بتوانیم راه او و بزرگان دیگر مخصوصا آیت‌الله طالقانی را ادامه دهیم.

نگاه

رئیس‌جمهور:

باید اقداماتی عاجل برای مشکلات اندیکا انجام شود

● **ایسنا:** رئیس‌جمهور روز گذشته در حاشیه بازدید از مناطق زلزله اندیکا در استان خوزستان گفت: عشایر ذخایر و گنجینه‌ای برای انقلاب و نظام هستند و نباید آسیب ببینند. عشایر مردمی پرتلاش، صبور، مقاوم و تولیدکننده هستند و همیشه همراه انقلاب و نظام بوده‌اند. اکنون عشایر در منطقه اندیکا با مشکلاتی مواجه شده‌اند و دولت تمام تلاش خود را انجام خواهد داد تا مشکلات مردم در این مناطق کاهش یابد. ابراهیم رئیسی افزود: وعده‌هایی از طرف بنیاد مستضعفان و ستاد اجرائی امام داده شده است و مشغول انجام اقداماتی در مناطق زلزله‌زده اندیکا هستند. همچنین بنیاد مسکن نیز در حال انجام فعالیت‌هایی در بحث بازسازی مناطق است. او با بیان اینکه در مناطق زلزله‌زده اندیکا همه پای کار هستند، گفت: با توجه به زودرس‌بودن سرما در مناطق زلزله‌زده اندیکا باید اقداماتی عاجل برای حل مشکلات در این منطقه انجام شود.

مقام معظم رهبری تأکید کردند:

لزوم تحلیل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی از نقش عنصر دین در دفاع مقدس

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دست‌اندرکاران کنگره سه‌هزارو ۵۳۵ شهید استان زنجان که در تاریخ ۲۴ مهر ۱۴۰۰ برگزار شده بود، در محل برگزاری این همایش منتشر شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار با اشاره به افتخارات پرشمار زنجان در عرصه‌های علمی، عملی و میدان‌های اجتماعی و نام‌آوری شخصیت‌های برجسته و ممتاز ازجمله شهید نامدار هسته‌ای، شهید شهریاری گفتند: شهیدان در رأس افتخارات زنجان هستند. مقام معظم رهبری، شهیدان را برگزیدگان خداوند متعال خواندند و افزودند: شهادت قله‌ای است که دستیابی به آن بدون اخلاص و ایثار، صدق و معنویت، مجاهدت و گذشت، توجه به خدا و کار برای مردم و تلاش برای تحقق عدالت و استقرار حاکمیت دینی امکان‌پذیر نیست. ایشان برگزاری همایش‌های بزرگداشت شهیدان را وظیفه و حسنه‌ای بزرگ دانستند و خاطرنشان کردند: با گذشت چندین سال از دفاع مقدس، جریان بزرگداشت شهیدان باید با ابتکارهایی همچون تحلیل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی از خاطرات آن دوران و نقش عنصر پرقدرت «دین» ادامه پیدا کند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با انتقاد از کسانی که نقش عنصر دین را در فداکاری‌های دوران دفاع مقدس نادیده می‌گیرند، گفتند: آمادگی جوانان برای سینه سپرکردن در مقابل خطرات و رضایت پدران و مادران و یا همسران آنها به اعزام عزیزان‌شان و سپس صبر بر شهادت آنها، بدون تردید ریشه در نگاه دینی و انجام وظیفه برای کسب رضای الهی دارد و این حالات و احساسات خانواده‌های شهدا همگی درخور تحلیل است. ایشان همچنین خدمات کم‌نظیر مردمی در حاشیه دفاع مقدس مانند تهیه غذا و آذوقه برای رزمندگان، شست‌وشوی لباس‌های آنان و نیز تشییع جنازه‌های عظیم و به‌یادماندنی شهیدان را ازجمله مسائل مغفول و نیازمند ثبت و توجه دانستند و درخصوص نام‌گذاری معابر شهرها به نام شهیدان گفتند: چه افتخاری برای یک شهر و کوچه‌ها و خیابان‌های آن بالاتر از اینکه نام یک شهید بزرگ و فداکار بر روی آن باشد. شهر باید به نام شهیدان مزین باشد و شوراهای شهر نیز بدانند که شهر با نام چه کسانی مفتخر می‌شود.

شهیندخت مولاوردی از نتایج تلاش‌های اعظم طالقانی می‌گوید

«اعظم» پیشگام همچون طالقانی

نورا بیگ: اعظم طالقانی حدود دو دهه به عنوان کاندیدا در انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کرد تا به قول خودش تکلیف رجل سیاسی را روشن کند. حالا آن‌طور که شهیندخت مولاوردی، معاون امور زنان ریاست‌جمهوری در دولت روحانی می‌گوید در انتخابات ۱۴۰۰ شاهد یک گام به پیش، ثبت‌نام خانم زهرا شجاعی و بررسی پرونده او در شورای نگهبان در مرحله بعد از ثبت‌نام بودیم که حاصل و نتیجه قدم‌هایی است که خانم طالقانی سال‌های سال برداشته بود. «این درس بزرگی برای زنان و دختران ماست که در پیگیری مطالباتشان این تجربه زیسته را الگو قرار دهند؛ آرام و تدریجی برای تغییر و بهبود وضعیتشان قدم بردارند. ما این جریان‌سازی را مدیون ویژگی‌ها و شخصیت کم‌نظیر و تلاش‌های بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر اعظم طالقانی هستیم». او هم‌زمان با دومین سالگرد فوت سیاسی‌ترین فرزند آیت‌الله طالقانی از تلاش‌ها و تأثیرات اعظم طالقانی می‌گوید که در ادامه مشروح آن را می‌خوانید.

خانم طالقانی یکی از اولین زنانی بود که بعد از انقلاب فعالیت‌های سیاسی‌اش را ادامه داد، به مجلس رفت و در انتخابات سیاسی مختلف شرکت کرد. تلاش‌های او تا چه میزان برای آگاه‌کردن جامعه نتیجه داد؟

آغاز حیات سیاسی او از دوران قبل از انقلاب بود و نزدیک به نیم‌قرن سیاست‌ورزی را در پیشینه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود دارد و در این دوران یک لحظه نیاسود. مجموعه فعالیت‌های او از قبل از مبارزات انقلابی تا تأسیس مدرسه، از نمایندگی مجلس تا راه‌اندازی تشکل و حزب سیاسی، از انتشار پیام هاجر تا پیام ابراهیم، از مدیریت مؤسسه توانمندی اقتصادی زنان تا مشارکت در خیرجمعی، از اعظم طالقانی چهره‌ای را به تصویر می‌کشد که یک شخصیت کاملا دردآشنا و همراه مردم در همه برهه‌هاست و درد او درد مردم زمانه است. همین ویژگی‌ها او را به سیاسی‌ترین فرزند آیت‌الله طالقانی تبدیل کرده بود. در مقاطعی همچون انتخابات ریاست‌جمهوری بیش از سایر زمان‌ها اسم ایشان سر زبان‌ها می‌افتاد و دغدغه همیشگی ایشان برای تعیین تکلیف واژه رجل سیاسی فرصت بروز و ظهور می‌یافت. گام‌های ارزنده‌ای که برای این شفاف‌سازی و رفع ابهام و اجمال درباره این واژه دوپهلو برداشت، بسیار آموزنده است و ادامه این مسیر و توجه به این دغدغه ناتمام و به سرانجام رساندن آن باید مسئولیت و وجهه همت همه کسانی باشد که در جبهه آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی فعال هستند. این بانوی بزرگوار در طول عمر پربرکت خود صرفا به فعالیت سیاسی، اجتماعی یا خیریه‌ای اکتفا نکرد و مجموعه و تلفیقی از این فعالیت‌ها را بنا بر درک واقع‌بینانه‌ای که از وضعیت زنان و جامعه داشت، در دستور کار خود قرار داد؛ چراکه به‌خوبی به چالش‌های اساسی زنان در جامعه و در عصر حاضر واقف بود و برای ارتقای شاخص مشارکت سیاسی و اقتصادی زنان و توانمندسازی و توان افزایی زنان در این دو حوزه بسیار کوشید و کارنامه درخشانی از خود به یادگار گذاشت.

به‌طور ویژه این تلاش‌ها در جامعه زنان چه اثراتی داشت؟

اقدامات او -هرچند بعضا نمادین و سمبلیک بود- راه‌های زیادی را پیش‌روی جامعه و زنان ایرانی گشود. خانم طالقانی تا پایان عمر در انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کرد و در نهایت در انتخابات ۱۴۰۰ شاهد یک گام به پیش و ثبت‌نام خانم زهرا شجاعی و بررسی پرونده ایشان در شورای نگهبان در مرحله بعد از ثبت‌نام بودیم که حاصل و نتیجه قدم‌هایی است که خانم طالقانی سال‌های سال برداشته بود و امیدواریم هرچه زودتر شاهد به‌ثمررسیدن تلاش‌های ایشان به صورت کامل باشیم. بحث او این بود که مبارزه مدنی و تلاش برای تغییر بر اساس شرایط، اقتضائات و مقدورات موجود با تکیه بر صبوری و مداومت محقق خواهد شد. این درس بزرگی برای زنان و دختران ماست که در پیگیری مطالباتشان این تجربه زیسته را الگو قرار دهند؛ آرام و تدریجی برای تغییر و بهبود وضعیتشان قدم بردارند. ما این جریان‌سازی را مدیون ویژگی‌ها و شخصیت کم‌نظیر و تلاش‌های بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر اعظم طالقانی هستیم.

نخستین مواجهه شما با اعظم طالقانی چطور پیش آمد؟

خانم طالقانی در تمام رویدادهایی که درباره زنان و عالم سیاست بود، با اینکه در سال‌های پایانی مشکل جسمی پیدا کرده بود ولی حتی اگر شده نیم‌ساعت آخر نشست‌ها و محافل حضور پیدا می‌کرد. همکاری مشترک ما در دوره اول فعالیت خانه احزاب شروع شد و برای شکل‌گیری کمیته امور زنان خانه احزاب و اصلاح اساسنامه آن مشارکتی صورت گرفت. دو هفته یک بار در کمیته زنان (که به رغم اصرار ما عنوان آن کمیته زنان شد و نه امور زنان!) و کمیته حقوقی مرتب همدیگر را می‌دیدیم و البته زنده‌یاد مریم بهروزی هم در این جلسات حضور داشت. از آن زمان به بعد از نزدیک شاهد پیگیری و جدیت خانم طالقانی بودم. از ۸۸ به بعد هم در تمام اتفاقاتی که شاهد آن بودیم، حضور داشت و همراهی می‌کرد و حتی خاطرم هست یک بار در بازدیدی که از نمایشگاه بین‌المللی کتاب داشتم دیدمشان که با ویلچر آمده بودند و این حکایت از عزم و اراده راسخ ایشان برای حضور پویا و غیرمنفعلانه در فعل و انفعالات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه داشت.

در دورانی که در دولت آقای روحانی معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور ایران بودید، پیش آمده بود درباره مسائل روز زنان با خانم طالقانی دیدار یا مشورت کنید؟

ایشان به اندازه‌ای در این موارد و مسائل پیشران بودند که این فرصت را که از طرف ما وقت دیدار و مشاوره گرفته شود، سلب می‌کرد. هر مشکلی که زنان و سایر افراد جامعه داشتند، اگر قرار بود نامه‌ای به اعضای دولت تحویل داده شود یا بیانیه‌ای صادر شود و... پیش‌قدم می‌شدند. تماس‌های ایشان برای درمیان‌گذاشتن مشکلات مردم از آخر شب با تلفن ثابت منزل شروع می‌شد. وقتی ۱۲ شب به بعد تلفن خانه ما به صدا درمی‌آمد، دخترم می‌گفت حتما خانم طالقانی است! روال ایشان همین‌طور بود و خودشان نیز تا نیمه‌های شب در دفترشان بودند. در سال‌هایی که من مسئولیت داشتم، به این شکل مراودات زیادی داشتیم. به‌طورکلی دغدغه ایشان عدالت و حق بود؛ عدالت جنسیتی، آموزشی، قضائی، اقتصادی و سایر وجوه عدالت اجتماعی. هر مطالبه‌ای که در جامعه برای حق‌های بشری شکل می‌گرفت، او جزء پیشگامان مطالبه‌گری بود.

زمانی که از این سمت کنار رفتید چه نظری داشت؟

ویدئویی از ایشان دارم که بعدا به دستم رسید و اظهار ناراحتی کرده بود از اینکه آدم‌های اینچنین در جامعه برتابیده نمی‌شوند و از این وضعیت اظهار نگرانی کرده بود. در پیام‌هایی هم که برایم ارسال کرده بود نگران ناتمام‌ماندن برنامه‌های در دست پیگیری بود.

به‌عنوان فعال مدافع حقوق زنان، چقدر خود را جزء مکتب اعظم طالقانی می‌دانید؟

ایشان بر گردن همه ما حق دارند و پیشگام‌بودن در به‌چالش‌کشیدن رویه‌های ناصوابی که منجر به پایمال‌شدن حقوق نیمی از سرمایه انسانی کشور می‌شود از درس‌هایی است که از او آموختم و امیدوارم بتوانیم ادامه‌دهنده و رهرو خوبی برای مکتب او باشیم.

زنانی هم‌مرتبه او سراغ دارید که همان سماجت و سخت‌کوشی را داشته باشند و بتوانند در حوزه زنان و عدالت‌خواهی مؤثر باشند؟

البته شخصیت خانم طالقانی کم‌نظیر است؛ از نظر تصویر مثبتی که جامعه از ایشان دارد و به جرئت می‌توان گفت ایشان از آن دسته انسان‌هایی است که «وقتی نیستند هم هستند»، ولی من خیلی ناامید نیستم و مطمئن هستم که زنانی در کشور وجود دارند که در این چهار دهه استواری، ثبات‌قدم و جدیت خود را نشان داده‌اند و می‌توانند با توجه به همه ملاحظات، قدم در راهی که خانم طالقانی آغازگر آن بود بگذارند و با وجود تمام موانع و محدودیت‌ها به بهبود وضعیت و ارتقای جایگاه زنان در خانواده و اجتماع و توسعه پایدار، متوازن و همه‌جانبه کشور کمک کنند.

گفت‌وگو با طاهره طالقانی هم‌زمان با دومین سالگرد فوت خواهرش اعظم طالقانی

عملکرد مدیران بر اعظم تأثیر گذاشت

نیره خادمی: هدف این مصاحبه، نزدیک‌شدن به شخصیت و زندگی خانوادگی اعظم طالقانی بود و برای صحبت دراین‌باره، چه کسی بهتر از طاهره خانم، فرزند دیگر آیت‌الله طالقانی. او که پس از فوت اعظم طالقانی تا برگزاری انتخابات از سوی شورای مرکزی، جانشین دبیرکل جامعه زنان انقلاب اسلامی شده است، در این مصاحبه از زمانی گفت که اعظم خانم همه جوانب زندگی خواهرها را سامان می‌داد، از تأثیراتی که پدر بر گرایشات برابری‌خواهانه آنها گذاش، و از وقتی که پس از انقلاب مجوز تأسیس مدرسه به او داده نشد یا نگرانی‌هایی که برای آینده فرزند معلولش داشت: «همه، اوایل انقلاب به مدیریت کشور اعتماد کردند ولی با دیدن عملکرد نظرها تغییر کرد. عملکرد مسئولاین، عملی‌نشدن شعارها و نقد نسبت به آنها بر اعظم هم تأثیر گذاشت و دیگر حمایتی را که در گذشته داشت، نداشت».

شاید کمتر کسی به اندازه شما که خواهر اعظم طالقانی هستید درباره خصوصیات او بداند. واقعا اعظم خانم در خانه و خانواده چگونه بود؟

اعظم خواهر بزرگ خانواده بود. مامان بیشتر گرفتار زندان بابا و مسائل دیگر بود و اعظم همیشه تعریف می‌کرد که از نوجوانی با ما خواهرهای دوقلو مثل عروسک بازی کرده است. از همان کودکی احساس می‌کردم که همه‌کاره ماست. هر کاری که داشتیم، درسی، تحصیل، خوراک و خرید به او رجوع می‌کردیم؛ به‌ویژه اینکه من به او خیلی وابسته بودم. او در کلاس پنجم یا ششم دبستان در مدرسه فخریه قیطریه، معلم ریاضی ما بود و در خانه هم همان‌طور به درس ما رسیدگی می‌کرد. خواهرمان بعد از ازدواج هم‌زمان به صورت شبانه درس می‌خواند و به صورت روزانه تدریس می‌کرد؛ چون پدر اصرار داشت که زنان روی پای خود بایستند و استقلال مالی داشته باشند. فعالیت‌های خارج از منزل تعطیل نمی‌شد، بنابراین به او که مشغله درس و کار داشت، کمک می‌کردیم تا بیشتر و بهتر به آنها برسد. ما دائما در خانه مشاوره داشتیم و با هم حرف می‌زدیم. بابا که دستگیر می‌شد و به زندان می‌رفت، کارها بیشتر روی دوش مادر و از آنجایی که اعظم بزرگ‌تر بود، بر دوش او می‌افتاد.

جز بحث‌های مدیریتی زنان و ریاست‌جمهوری زنان چه آرزویی داشت؟

او بعد از آزادی از زندان بر آگاهی، افزایش مهارت و مستقل‌بودن زنان تأکید داشت و اینکه فقط در خانه سرگرم کارهای روزمره نباشند. داشتن شغل و استقلال مالی زنان بسیار برای او مهم بود، بنابراین برای آموزش مهارت و توانمندسازی زنان ان‌جی‌او تشکیل داد و زنانی را که تحصیلات پایینی داشتند به ادامه تحصیل تشویق می‌کرد. یک کارگاه خیاطی هم برای آموزش زنان سرپرست خانوار در مؤسسه تأسیس کرد که بتوانند استقلال مالی داشته باشند. درباره مدیریت زنان هم می‌گفت مسائل و مشکلات در خانواده یا اجتماع، با مدیریت زنان به سامان می‌رسد و از خشونت‌ها می‌کاهد.

هیچ‌وقت دوست نداشت در زمان جنگ اسلحه دست بگیرد و به جبهه برود؟

در زمان جنگ عده زیادی از زنان برای ارسال مواد غذایی و پوشاک و وسایل مورد نیاز برای جبهه‌ها با مؤسسه همکاری می‌کردند. او هم هر چند ماه یک بار برای ارسال کمک‌ها اگر شرایط اجازه می‌داد به جبهه می‌رفت، ولی موقعیتی که اسلحه به دست بگیرد نبود. البته در همان اوایل انقلاب عده‌ای از خانم‌ها همراه اعظم و من برای کار با انواع اسلحه به میدان تیر می‌رفتیم و تمرین می‌کردیم.

او در دهه آخر زندگی با دهه نخست انقلاب چه تفاوتی داشت؟

اخلاقش که تغییری نکرد. دغدغه مهارت، پیشروبودن زنان و قرارگرفتن آنان در پست‌های بالای مدیریتی برای خدمت به کشور تا پایان عمر هم در او تغییر نکرد، ولی مانند همه آدم‌ها در طول زمان از بُعدهای دیگر تغییر کرد. همه، اوایل انقلاب به مدیریت کشور اعتماد کردند، ولی با دیدن عملکرد نظرها تغییر کرد. عملکرد مسئولان، عملی‌نشدن شعارها و نقد نسبت به آنها بر او هم تأثیر گذاشت و دیگر حمایتی را که در گذشته داشت، نداشت.

پیش آمده بود که به عملکرد خود نقد داشته باشد؟

اعظم خیلی دوست داشت ان‌جی‌او خود را گسترش دهد و درباره آموزش در سراسر کشور اقداماتی انجام دهد، ولی موانع زیادی برای او وجود داشت، بنابراین کم‌کاری از سوی او نبود که بخواهد فقط از خود انتقاد کند و قوانین دست‌وپاگیر مانع نرسیدن او به خواسته‌هایش شد. اتفاقا بعد از انقلاب و مجلس اول دوباره برای گرفتن مجوز تأسیس مدرسه اقدام کرد، ولی به بهانه‌های گوناگون مجوز ندادند. وقتی علت را جویا شد گفتند که از همه نظر صلاحیت دارید، ولی اگر قبل از انقلاب مجوز گرفتید، برای تربیت آدم‌های مبارز انقلابی بود حالا این مجوز را برای چه می‌خواهید؟ بنابراین مجوز ندادند و عوامل متعددی مانع رسیدن به بسیاری از خواسته‌هایش شد.

سرگذشت مدرسه علایی به کجا رسید؟

مدرسه سال ۵۰ تأسیس شد. اعظم ۵۴ به زندان رفت و ۵۶ آزاد شد و بعد از انقلاب نتوانست به مدرسه بیاید و فقط من در مدرسه ماندم. بعد از انقلاب اسم مدرسه شد بنیاد علایی طالقانی. بعد از فوت پدر سال ۵۹ - ۶۰ بخش‌نامه‌ای با این تیتر به مدرسه آمد؛ اسامی که در روند پیشبرد اهداف امام و اسلام و انقلاب نیست، تغییر داده می‌شود. اول آن فهرست ۲۰، ۳۰ نفری نام بنیاد علایی طالقانی نوشته شده بود. بخش‌نامه را به اداره بردم، گفتم این چیست؟ گفتند چون مدرسه دخترانه است باید اسم بامسمایی داشته باشد، بنابراین اسم مدرسه را گذاشتند ام‌الحسنین. گفتم در همین منطقه ۲، چند مدرسه دخترانه اسم بامسما دارد؟ ولی اینها بهانه بود بیشتر. بعد گفتند مدارس نباید خصوصی باشند و باید در اختیار آموزش‌وپرورش گذاشته شوند، بنابراین مدرسه از حالت خصوصی‌بودن درآمد. من تا سال ۶۵ در آنجا بودم، ولی دیگر آن‌طوری که ما می‌خواستیم نبود، پس بیرون آمدم. مالک، مدرسه را به ما واگذار کرده بود ولی وقتی آموزش‌وپرورش روی آن دست گذاشت آن را به آنها اجاره داد.

نگرانی هم برای آینده داشت؟

این اواخر که مریض‌احوال بود نگرانی فرزند معلولش را داشت؛ مخصوصا اینکه حدود یک سال قبل از فوت او، همسرش هم فوت کرد و نگران بود که اگر نباشد وضعیت بچه چگونه می‌شود؟ وابستگی زیادی به این بچه داشت. ما هم سعی کردیم بعد از فوت شرایط را تغییر ندهیم و همان‌طور از او نگهداری می‌شود.

مسائل مربوط به زن و مرد در خانواده مذهبی شما چگونه بود که باعث ایجاد گرایش برابری‌خواهانه اعظم شد؟

پدر این بنیان را در خانواده گذاشت که تفاوت و تبعیضی از لحاظ مسئولیت‌پذیری و انجام کارها بین خواهران و برادران نباشد. اتفاقا ما را بیشتر به ادامه تحصیل تشویق کرد. سال یازدهم که ما دوقلوها به مدرسه می‌رفتیم، بخش‌نامه‌ای درباره دوره‌دیدن دختران در پیشاهنگی (سربازی) به مدرسه آمد و قرار بود بعد از دیپلم برای آن قرعه‌کشی کنند. مدیر مدرسه هم سال آخر را حذف کرد؛ چراکه معتقد بود اگر بعد از دیپلم، قرعه سربازی به نام دختری بیفتد، مسئول آن است. ما هم در خانه به پدر گفتیم که دیگر نمی‌توانیم مدرسه برویم. در جواب گفت باید درس بخوانید، پیشاهنگی که مسئله‌ای نیست، مهارت یاد می‌گیرید. ما هم از تجریش به مدرسه دوشیزگان در میدان منیریه رفتیم چون هیچ چیزی از نظر پدر نباید مانع درس‌خواندن ما می‌شد. بعد هم در قرعه‌کشی ثبت‌نام کردیم و معاف شدیم. حدود ۱۵۰ هزار نفر شرکت کرده بودند و فقط ۱۰ هزار را می‌خواستند. وقتی رفتیم جواب بگیریم عده زیادی گریه می‌کردند یا به خاطر اینکه معاف شده بودند یا به این علت که باید سربازی می‌رفتند. در نتیجه چیزی که در خانه ما حاکم بود و بر همه ازجمله اعظم تأثیر گذاشت، برابری زن و مرد بود.

روزنه

کف و هورای اصولگرایان برای صداوسیما

جبلی؛ تغییر تاکتیک یا استراتژی

● بازگشت رسانه به ریل اصلی؟ یک امام‌صادقی متفاوت از بقیه؟ آیا پیمان جبلی در حال عمل به وعده خود است یا اینها همه تاکتیک‌هایی موقتی است که می‌تواند از یک دعوا یا جریان درون‌جناحی نشئت گرفته باشد؟ رویکرد متفاوت رسانه ملی برای نخستین‌بار در انتقاد به هم‌جناحی‌های اصولگرایش در ماجرای انتصاب داماد شهردار، استخدام دختر یک نماینده در وزارت نفت، انتقاد از وزیر رئیسی و نحوه پوشش‌دهی خبر هک سامانه‌های سوخت و مواردی از این دست توجه همه را به خود جلب کرده است. اصولگرایان به رئیسی دست‌مریزاد می‌گویند و معتقدند او در حال عمل‌کردن به وعده‌اش در نخستین توییت بعد از انتصابش است. رئیس جدید صداوسیما که فارغ‌التحصیل امام صادق و از بدنه خود این سازمان است، هنگام انتصاب گفته بود: «صداوسیما باید مصداق واقعی رسانه مردمی باشد؛ رسانه صدای کسانی باشد که صدایشان به جایی نمی‌رسد». ایرنا در گزارشی نوشته است شبکه‌های مختلف تلویزیون از لحظه انتشار خبر اختلال سامانه هوشمند سوخت این اتفاق را دقیق و بی‌طرفانه اطلاع‌رسانی و تحلیل کردند. پوشش خبری مناسب حمله سایبری به سیستم هوشمند جایگاه‌های سوخت از سوی صداوسیما با واکنش مثبت فعالان رسانه روبه‌رو شد. سایت الف نزدیک به احمد توکلی هم نوشته که صداوسیما در اقدامی کم‌سابقه، در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه ۲ سیما، میزبان دو عضو ارشد دیده‌بان شفافیت و عدالت بود؛ احمد توکلی و احمد امیرآبادی دعوت شده بودند تا درخصوص دو موضوع مهم شفافیت و تعارض منافع در مجلس صحبت کنند. یک فعال رسانه‌ای در توییتر نوشت: «تو ماجرای هک‌شدن دوربین‌های زندان اوین، کدوم رسانه محور بود و تو ماجرای هک‌شدن سامانه پمپ‌بنزین‌ها، کدوم رسانه؟ تبدیل روابط عمومی به رسانه، بزرگ‌ترین خدمتیه که دکتر جبلی داره به صداوسیما می‌کنه». در روزهای اخیر مجری صداوسیما به وعده‌های قطره‌چکانی وزیر صمت درباره ارزانی خودرو هم واکنش نشان داده و گفته است: «امیدواریم ۱۵۰ تومن نشود ۱۴۰ تومن و بگوییم ارزان شد». جریان‌های عدالت‌خواه هم در شبکه‌های اجتماعی بابت انتقاد صداوسیما به علی اکبری رئیس شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه که خواستار ممنوعیت اشاره به مصادیق فساد در خطبه‌ها شده بود، ابراز خوشحالی کرده و نوشته‌اند «آقای صداوسیما همین‌جوری ادامه بده». عباس مقتدایی نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی از صداوسیما تقدیر کرد و رویکرد جدیدش را «گام بلند آن رسانه در راستای انعکاس صدا و دغدغه جمهور مردم و فاصله‌گرفتن از اینکه صرفا صدای احزاب، اقشار و افراد خاص باشد» خوانده است و در ادامه گفته که همگان خواستار ادامه‌داربودن این روند مطلوب هستند. نایب‌رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس هم گفته: نمی‌توان از عملکرد درخشان رسانه ملی در پوشش به‌موقع و اطلاع‌رسانی صحیح به مردم و مدیریت بحران گذشت. آثار تحول در مدیریت رسانه ملی در حال نمایان‌شدن است. یک عضو هیئت‌رئیسه کمیسیون انرژی مجلس تأکید کرد که در جنگ سایبری اخیر دشمن علیه کشور، صداوسیما خوش درخشید. چندین اظهارنظر مشابه دیگر هم از سوی نمایندگان دیگر مجلس اصولگرایان شنیده شده است. سایت الف هم در ادامه نوشته: «آنچه این چند روز اتفاق افتاد البته نقطه اوج کار بود. از بعد از انتصاب آقای جبلی به ریاست صداوسیما می‌شد تغییر تدریجی در رویکردها را به نظاره نشست. تأکید بسیار رئیس جدید بر توجه به مردم‌محوری و عدالت در صداوسیما، روی خوش وی به جوانان عدالت‌خواه، دعوت از امام‌جمعه قبلی لواسان برای شرکت در مراسم معارفه، توجه به شایسته‌سالاری در انتصاب‌ها، بازدید از مناطق محروم خوزستان و نشستن پای صحبت‌های جوانان جهادی و عدالت‌خواه، نشانه‌هایی هستند که ما را نسبت به مدیریت جدید در رسانه ملی امیدوار می‌ساختند. با این حال همین قدم‌های کوچک نیز بسیار نویدبخش است. از یاد نبرده‌ایم آن صداوسیمایی که خبرها را می‌جوید و سعی می‌کرد آماده به خورد مخاطب دهد. صداوسیمایی که به حق انتخاب و قدرت قضاوت مخاطب کمتر احترام می‌گذاشت. صداوسیمایی که بحث عدالت خبری در آن کم‌رنگ بود و در مقیاس وسیع‌تر، عدالت‌طلبی‌اش چندان پررنگ نبود. به هر روی امیدواریم آقای جبلی در ادامه مسیر نیز با همین قدرت به پیش برود و خدای نکرده مانند برخی از مسئولان در ادامه مسیر کم نیاورده و یا گرفتار باندهای ثروت و قدرت نشود». اصلاح‌طلبان و منتقدان قدیمی رسانه ملی اما معتقدند برای قضاوت زود است و با یک گل بهار نمی‌شود. برای اینکه رسانه ملی یک رسانه مردمی باشد باید سهم همه جریان‌های فکری سیاسی و اجتماعی در آن برابر باشد. آنها می‌گویند شاید ماجرا فقط یک تغییرات روبنایی باشد که بخشی از آن از دعوای قدرت درون جناح اصولگرا نشئت می‌گیرد و باید منتظر ماند و دید دامنه این تغییرات تا چه حد و کجا پیش می‌رود. منتقدان هنوز یادشان نرفته است که پیمان جبلی تا پیش از انتصاب به‌عنوان رئیس صداوسیما هم در رسانه ملی کار می‌کرد و معاون این سازمان بود. در آن زمان عملکردش حرکت بر همان خط و خطوط مشخص رسانه بود تا جایی که حتی از نقشش در تخریب روند مذاکرات هسته‌ای در دوران روحانی سخن گفته شد.

ادامه در صفحه ۳